

مجله پژوهش‌های حسابداری مالی

سال سوم، شماره اول، شماره پیاپی (۷)، بهار ۱۳۹۰

تاریخ وصول: ۱۳۸۹/۲/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۱۰/۵

صص ۵۴-۳۹

بررسی رابطه بین هموارسازی سود، کیفیت سود و ارزش شرکت در شرکت‌های پذیرفته

شده در بورس اوراق بهادار تهران

داریوش دموری^{۱*}، زهره عارف منش^{**}، خلیل عباسی موصولو^{***}

* استادیار دانشکده اقتصاد، مدیریت و حسابداری - دانشگاه یزد

** عضو هیأت علمی دانشگاه یزد- گروه حسابداری

*** عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد فیروزآباد

چکیده

این پژوهش به بررسی رابطه بین ارزش شرکت با هموارسازی سود و کیفیت سود گزارش شده در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در فاصله زمانی ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۶ می‌پردازد و به این سؤال پاسخ می‌دهد که آیا صرفاً هموارسازی سود باعث افزایش ارزش شرکت می‌شود و یا اینکه هموارسازان سود همزمان باید کیفیت سود گزارش شده را نیز در نظر بگیرند؟ بدین منظور، شرکت‌های نمونه با استفاده از روش ایکل به دو گروه هموارساز و غیر هموارساز تفکیک می‌شوند. سپس با به کارگیری روش اسلون به دو گروه باکیفیت سود و بدون کیفیت و در نهایت، به چهار گروه شرکت‌های هموارساز سود با کیفیت، غیر هموارساز سود با کیفیت، هموارساز سود بدون کیفیت و غیر هموارساز سود بدون کیفیت تقسیم می‌شوند و رابطه قیمت سهام با هموارسازی سود و کیفیت سود در دو سطح سود و تغییرات سود آزمون می‌گردد. نتایج حاصل از رگرسیون چند متغیره نشان می‌دهد

سرمایه‌گذاران برای شرکت‌های هموارساز سود با کیفیت بالاترین ارزش و برای شرکت‌های غیر هموارساز سود بدون کیفیت کمترین ارزش را قائل هستند.

واژه‌های کلیدی: ارزش شرکت، مدیریت سود، هموارسازی سود، کیفیت سود

مقدمه

یکی از اشکال مدیریت سود، هموارسازی سود است که توجه زیادی را در ادبیات حسابداری به خود جلب کرده است. فرضیه هموارسازی سود پیشنهاد می‌کند که سود برای کاهش نوسان‌های آن حول سطحی که برای شرکت نرمال به نظر می‌رسد، به طور آگاهانه دستکاری می‌شود [۲۳] و مدیران در محدوده اصول پذیرفته شده حسابداری از سیاستها و روش‌هایی استفاده می‌کنند که واریانس سود گزارش شده را کاهش دهند [۲۹]. دیکو و اسکینر (۲۰۰۰) بیان می‌کنند که مدیریت سود به انگیزه مدیریت مربوط می‌شود و انگیزه مدیریت بیشتر با عملکرد سهام مرتبط است. بنابراین، اگر در تحقیقات هموارسازی سود تاکید بر ارزش شرکت باشد، تحقیق سودمندتر خواهد بود.

به عقیده بائو و بائو (۲۰۰۴) هموارسازی سود حتما باعث افزایش ارزش شرکت نمی‌شود، بلکه هموارسازان سود باید همزمان به کیفیت سود نیز بیندیشند [۱۱]. کیفیت سود یک معیار مهم برای بررسی سلامت مالی واحد تجاری است [۱۳] و مفهومی است که به طور گسترده و بدون تعریف واحدی از آن استفاده می‌شود. کیفیت سود، ثبات، پایداری و نوسان ناپذیری سود گزارش شده را نشان می‌دهد. مک نیکلز (۲۰۰۲) کیفیت سود را به سه دسته تقسیم نمود: پایداری سود، سطوح ارقام تعهدی و سودی که منعکس کننده معاملات اقتصادی مربوط است. پایداری سود به معنای تکرار پذیری (استمرار)

یکی از اهداف گزارشگری حسابداری، ارائه اطلاعات مفید در مورد عملکرد مالی واحد تجاری برای طیف گسترده‌ای از استفاده‌کنندگان است. صورت سود و زیان، یکی از صورت‌های مالی اساسی است که این هدف را برآورده می‌سازد. محصول صورت سود و زیان، سود خالص است و یکی از اطلاعات مالی بسیار مهمی است که توسط سرمایه‌گذاران و سایر استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی استفاده می‌گردد. عده‌ای معتقدند که سرمایه‌گذاران برای شرکت‌هایی که دارای سود ثابت و پایدار هستند، ارزش بیشتری قائل می‌شوند، در نتیجه ممکن است مدیران برای افزایش قیمت سهام شرکت خود به مدیریت سود روی آورند. با توجه به اهمیت سود گزارش شده، بر تصمیمات اقتصادی و تخصیص منابع کمیاب، مدیریت سود و کیفیت سود گزارش شده، موضوع بسیاری از تحقیقات حسابداری در طول سه دهه گذشته بوده است. از نظر هیلی و وهلن (۱۹۹۹) مدیریت سود، استفاده مدیریت از قضاوت در گزارش دهی مالی و ساختار بندی معاملات، برای اصلاح و تغییر گزارشگری مالی است تا استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی را در مورد عملکرد اقتصادی شرکت گمراه کند و یا بر نتایج معاملاتی که به ارقام حسابداری مثل سود بستگی دارد، تاثیر گذارد [۱۹].

توماس و ژانگ (۲۰۰۲) نشان داد شرکت‌هایی که تغییر پذیری سود گزارش شده آنها کمتر است، ارزش سهام آنها بیشتر است [۲۷]. بریکر و دیگران (۱۹۹۵) شواهدی را فراهم کردند که نشان می‌داد به عقیده تحلیلگران شرکت‌هایی که از تغییرات منفی سود اجتناب می‌کنند، دارای کیفیت سود بالاتری هستند [۲۸]. نتایج تحقیق باثو و باثو (۲۰۰۴) نشان داد شرکت‌های هموارساز سود با کیفیت بیشترین ارزش و شرکت‌های غیر هموارساز سود بدون کیفیت، کمترین ارزش را در بورس اوراق بهادار به خود اختصاص دادند [۱۱]. نتایج تحقیق کرسچنیهتر و ملومد (۲۰۰۴) نیز نشان می‌دهد که سود گزارش شده هموارتر و تغییرات مثبت سود به کیفیت بالاتر سود مربوط می‌شود [۲۲]. دکو و اسکرند (۲۰۰۴) بیان کردند کاهش رابطه بین بازده سهام و سود را می‌توان نشان دهنده کاهش کیفیت سود دانست [۱۶].

جان و دیگران (۲۰۰۶) رابطه بین اقلام تعهدی و بازده آتی سهام را بررسی کردند. نتایج تحقیق آنها نشان می‌دهد شرکت‌هایی که کیفیت سود پایینی دارند، بازده سهام آنها در دوره بعد از گزارشگری سود، کاهش می‌یابد [۱۴]. رونتری و دیگران (۲۰۰۸) نشان دادند که هموارسازی سود از طریق اقلام تعهدی حسابداری باعث افزایش ارزش شرکت نمی‌شود [۲۴]. دهالیوال و ژنلی (۲۰۰۸) دریافتند زمانی که کیفیت سود افزایش می‌یابد، عکس العمل بازار به تغییرات سود نقدی کمتر می‌شود. به عبارت دیگر، در ارزش گذاری شرکت توسط سرمایه گذاران کیفیت سود عامل مهمی است که بر محتوای اطلاعاتی سود نقدی تاثیر می‌گذارد [۱۷].

هانگ و دیگران (۲۰۰۹) اثر بالقوه هموارسازی مصنوعی و هموارسازی واقعی را بر ارزش شرکت

سود جاری است. هرچه پایداری سود بیشتر باشد؛ یعنی شرکت توان بیشتری برای حفظ سودهای جاری دارد و فرض می‌شود کیفیت سود شرکت بالاتر است. وی بیان کرد که از مجموعه سه تعریف، امکان آزمون تجربی طبقه بندی اول و دوم وجود دارد و معیار سوم تنها یک تعریف تئوریک است [۲].

اسکیپر و وینسنت (۲۰۰۳) معیارهای کیفیت سود را به مفید بودن در تصمیم گیری و تعریف اقتصادی سود مرتبط کردند [۲۵]. بال و شیواکومار (۲۰۰۴) معتقدند در صورتی که سود کمتر مدیریت شود و زیان بموقع شناسایی شود، کیفیت سود بیشتر است [۱۰]. بیور (۲۰۰۲) استدلال کرد که هر شکلی از مدیریت سود می‌تواند کیفیت سود را بهبود بخشد و یا آن را کاهش دهد. هموارسازی سود واریانس سود گزارش شده را کاهش می‌دهد، ولی حتما کیفیت بالای سود را تضمین نمی‌کند. بنابراین، اگر سود هموار شده کیفیت بالایی داشته باشد، هموارسازی به ارزش بالاتر شرکت منجر می‌شود و اگر سود گزارش شده کیفیت پایینی داشته باشد، سود هموار شده ارزش کمتری خواهد داشت [۱۲].

این مقاله به بررسی رابطه هموارسازی سود، کیفیت سود و ارزش شرکت در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۶ می‌پردازد. در ادامه، پیشینه ای از تحقیقات قبلی بیان می‌شود، سپس فرضیه‌ها و روش تحقیق و نهایتاً نتایج و یافته‌های تحقیق تحلیل و پیشنهادهایی برای تحقیقات آتی ارائه می‌شود.

پیشینه تحقیق

چنی و جیتر (۱۹۹۷) نشان دادند که شرکت‌های هموارساز بازده بالاتری دارند [۱۵]. نتایج تحقیق

می دهند، به طور میانگین بازده غیر نرمال بیشتری دارند [۴].

خواجه‌وی و ناظمی (۱۳۸۴) نقش اقلام تعهدی در کیفیت سود را بررسی نمودند. نتایج تحقیق آنها نشان می دهد که میانگین بازده سهام شرکت‌ها تحت تاثیر میزان اقلام تعهدی و اجزای مربوط به آن قرار نمی گیرد [۳]. برقی (۱۳۸۵) به این نتیجه دست یافت که در بورس اوراق بهادار تهران با افزایش خطای برآورد اقلام تعهدی، کیفیت سود کاهش می یابد [۱]. نتایج تحقیق مهرانی و عارف منش (۱۳۸۷) مبین این است که شرکت‌های هموارساز سودآوری کمتر، نسبت بدهی بالاتر و اقلام تعهدی بزرگتری نسبت به شرکت‌های غیر هموارساز دارند [۷].

مرادی (۱۳۸۷) نشان داد که بین اهرم مالی و هموارسازی سود رابطه معنی دار منفی وجود دارد و در شرکت‌هایی که جریان‌های نقدی آزاد بالاتری دارند، رابطه معنی دار منفی بیشتری وجود دارد [۶]. نتایج تحقیق هاشمی و صمدی (۱۳۸۸) نشان می دهد که هموارسازی سود توانایی سود در پیش بینی سود و جریان‌های نقدی عملیاتی آتی را افزایش می دهد، در حالی که توانایی مذکور در پیش بینی اقلام تعهدی از طریق هموارسازی سود افزایش نمی یابد [۹].

نوروش و حسینی (۱۳۸۸) به بررسی رابطه بین کیفیت افشا (قابلیت اتکا و بموقع بودن) و مدیریت سود در سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۶ پرداختند. یافته‌های این تحقیق نشان می دهد که بین کیفیت افشای شرکتی و مدیریت سود رابطه معناداری وجود دارد. همچنین یافته‌های تحقیق حاکی از وجود رابطه معنی دار بین بموقع بودن افشای شرکتی و مدیریت سود است [۸].

بررسی کردند. نتایج تحقیق آنها نشان می دهد که ارزش شرکت با بیشتر شدن هموارسازی مصنوعی کاهش و با افزایش هموارسازی واقعی افزایش می یابد. آنها بیان کردند که شرکت‌ها می توانند با هموارسازی واقعی آگاهی بخشی سود شرکت را افزایش دهند و هزینه‌های نمایندگی شرکت را کاهش دهند [۲۰].

آیتریدینز (۲۰۱۰) اثر پذیرش استانداردهای بین المللی حسابداری مالی (IFRS) بر کیفیت ارقام گزارش شده حسابداری را بررسی کرد. همچنین در این مقاله ارتباط اطلاعات صورت‌های مالی تهیه شده بر اساس IFRS با ارزش شرکت نیز مطالعه شد. نتایج این تحقیق نشان می دهد اجرای استانداردهای بین المللی حسابداری کیفیت ارقام حسابداری را بهبود بخشیده و آزادی عمل در مدیریت سود را کاهش داده است که این امر به دلیل شناسایی بموقع زیان است و در نتیجه، به گزارش اطلاعات حسابداری که ارتباط بیشتری با ارزش دارند، منجر می شود. در این تحقیق پیشنهاد شده است که عدم تقارن اطلاعاتی کمتر و دستکاری کمتر سود به افشای اطلاعات مالی با کیفیت بالاتر و آگاهی بخش تر منجر می شود و در نتیجه به سرمایه گذاران کمک می کند قضاوت‌های آگاهانه و غیرجانبدارانه انجام دهند [۲۱].

قائم و دیگران (۱۳۸۲) به این نتیجه دست یافتند که هموارسازی سود را نمی توان به عنوان عامل مؤثر بر بازده‌های غیر عادی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس تهران دانست [۵]. نتایج تحقیق سمائی (۱۳۸۲) نشان می دهد که در سطح اطمینان ۹۰٪ شرکت‌هایی که هموارسازی سود انجام

فرضیه‌های تحقیق

۱. بین شرکت‌های هموارساز و غیر هموارساز از لحاظ ارزش شرکت تفاوت معناداری وجود دارد.
۲. بین شرکت‌های با کیفیت سود و بدون کیفیت سود از لحاظ ارزش شرکت تفاوت معناداری وجود دارد.
۳. بین شرکت‌های هموارساز سود با کیفیت و غیر هموارساز سود با کیفیت از لحاظ ارزش شرکت تفاوت معنی داری وجود دارد.
۴. بین شرکت‌های هموارساز سود بدون کیفیت و غیر هموارساز سود بدون کیفیت از لحاظ ارزش شرکت تفاوت معناداری وجود دارد.
۵. بین شرکت‌های هموارساز سود با کیفیت و هموارساز سود بدون کیفیت از لحاظ ارزش شرکت تفاوت معناداری وجود دارد.
۶. بین شرکت‌های غیر هموارساز سود با کیفیت و غیر هموارساز سود بدون کیفیت از لحاظ ارزش شرکت تفاوت معناداری وجود دارد.

روش تحقیق

این تحقیق از نوع همبستگی بوده و اطلاعات تاریخی شرکتها از نرم افزارهای دنا سهم و تدبیرپرداز استخراج شده است. برای آزمون فرضیه‌ها از تجزیه و تحلیل رگرسیون چند متغیره داده‌های ترکیبی (ترکیب داده‌های سری زمانی و مقطع زمانی) استفاده و کلیه آزمون‌ها با استفاده از نرم افزار spss انجام شده است. قلمرو تحقیق شامل یک دوره زمانی هشت ساله بر مبنای گزارش‌های مالی منتشره در سال‌های ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۶ است. شرکت‌های تولیدی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار که سال مالی آنها ۲۹ اسفند هر سال است، جامعه آماری مورد مطالعه

است که شامل ۲۱۶ شرکت است. با استفاده از فرمول زیر حجم نمونه ۷۴ شرکت تعیین شد و برای نمونه‌گیری از روش خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده شد.

$$n = \frac{NZ^n \alpha/2(p)(1-p)}{e^2 N + Z^2 \alpha/2(p)(1-p)}$$

$$e = 0/1$$

سؤال این تحقیق، این است که آیا شرکتی که تغییرات و نوسان‌های سود آن کم است، حتماً ارزش یا قیمت سهام بالاتری دارد؟ برای آزمون فرضیه اول، شرکت‌ها به دو گروه هموارساز و غیر هموارساز سود و برای آزمون فرضیه دوم به دو گروه شرکت‌های سود با کیفیت و شرکت‌های سود بدون کیفیت تقسیم می‌شوند و سپس برای آزمون فرضیات سوم، چهارم، پنجم و ششم، شرکت‌های نمونه به چهار گروه شرکت‌های هموارساز سود با کیفیت (گروه ۱)، غیر هموارساز سود با کیفیت (گروه ۲)، هموارساز سود بدون کیفیت (گروه ۳) و غیر هموارساز سود بدون کیفیت (گروه ۴) تفکیک می‌شوند و رابطه سود گزارش شده و قیمت سهام (ارزش شرکت) این شرکت‌ها آزمون می‌شود.

تفکیک شرکت‌ها به دو گروه هموارساز و غیر هموارساز

برای تفکیک شرکت‌ها به دو گروه هموارساز و غیر هموارساز از شاخص ایکل [۱۸] استفاده شده است؛ به این ترتیب که:

$$D_f = CV_{\Delta Li} / CV_{\Delta Si}$$

D_f : شاخص هموارسازی سود، $CV_{\Delta Li}$ بیانگر ضریب تغییرات نوسان در سری زمانی سود و $CV_{\Delta Si}$ بیانگر ضریب تغییرات نوسان در سری

Size: بیانگر اندازه شرکت و برابر است با لگاریتم طبیعی کل دارایی‌ها برای سال t

(۲)

$$PC_t = \alpha_1 + \beta_1 EC_t + \beta_2 (DS \times EC_t) + \beta_3 (EC_t \times DETA_t) + \beta_4 (EC_t \times size) + \varepsilon_t$$

PC_t : تغییر در قیمت هر سهم تقسیم بر قیمت اول دوره هر سهم (شاخصی از تغییرات ارزش)

EC_t : تغییر در سود هر سهم تقسیم بر قیمت اول دوره هر سهم

اگر متغیرهای کنترل نسبت بدهی و اندازه شرکت را در نظر نگیریم، برای گروه اول؛ یعنی گروه هموارسازداریم:

$$E(P_t) = \alpha_1 + (\beta_1 + \beta_2)E(E_t)$$

و برای گروه دوم؛ یعنی گروه غیر هموارساز داریم:

$$E(P_t) = \alpha_1 + \beta_1 E(E_t)$$

بنابراین، تفاوت دو گروه $\beta_2 E(E_t)$ است. اگر β_2 مثبت و معنی دار باشد؛ یعنی ضریب P/E برای شرکت‌های هموارساز بزرگتر از آن ضریب برای شرکت‌های غیر هموارساز است؛ یعنی ارزش شرکت‌های هموارساز بیشتر از شرکت‌های غیر هموارساز است و اگر β_2 منفی و معنی دار باشد، به این معناست که ارزش شرکت‌های هموارساز از شرکت‌های غیر هموارساز کمتر است [۱۱].

تفکیک شرکت‌ها از لحاظ کیفیت سود

برای تقسیم شرکت‌ها به شرکت‌های با سود با کیفیت و بدون کیفیت، از روشی که اسلون [۲۶] در سال ۱۹۹۶ به کار برد استفاده شد؛ بدین ترتیب که: محتوای نقدی سود با تقسیم وجه نقد حاصل از عملیات برای هر سهم به سود هر سهم محاسبه می‌شود. در صورتی که برای هر کدام از سال‌های

زمانی فروش است و ضریب تغییرات از تقسیم واریانس بر میانگین به دست می‌آید.

اگر $D_f < 1$ باشد، شرکت هموارکننده مصنوعی سود خواهد بود و در غیر این صورت، هموارسازی صورت نگرفته است.

کوتاری (۱۹۹۲) نشان داد رابطه مثبت و معنی داری بین قیمت سهام و سود، همچنین بین تغییرات قیمت سهام و تغییرات سود وجود دارد. وی نشان داد که با ورود متغیر مجازی در رگرسیون می‌توان ضریب P/E و PC/EC دو گروه را با هم مقایسه کرد و همچنین باید متغیرهای دیگری مانند اندازه شرکت و نسبت بدهی که ممکن است بر رابطه قیمت و سود تاثیر گذارد، به عنوان متغیرهای کنترل در معادله رگرسیون وارد شود [۱۱].

برای آزمون فرضیه اول از دو معادله رگرسیون زیر که در سال ۲۰۰۴ توسط بائو و بائو به کار گرفته شد، استفاده می‌شود:

(۱)

$$P_t = \alpha_1 + \beta_1 E_t + \beta_2 (DS \times E_t) + \beta_3 (E_t \times DETA_t) + \beta_4 (E_t \times size) + \varepsilon_t$$

P_t : قیمت آخر دوره هر سهم تقسیم بر قیمت اول دوره هر سهم (قیمت هر سهم نرمال شده) (شاخصی از ارزش شرکت)

E_t : سود آخر دوره هر سهم تقسیم بر قیمت اول دوره هر سهم (سود هر سهم نرمال شده)

DS: یک متغیر مجازی است و برای شرکت‌های هموارساز برابر ۱ و برای شرکت‌های غیر هموارساز برابر صفر است.

$DETA_t$: نسبت بدهی به کل دارایی‌ها برای سال t

سود با کیفیت (گروه ۲)، هموارسازی سود بدون کیفیت (گروه ۳) و غیر هموارسازی سود بدون کیفیت (گروه ۴) تفکیک می‌شوند و برای آزمون فرضیات سوم، چهارم، پنجم و ششم از معادلات رگرسیونی زیر استفاده می‌شود:

$$P_t = \alpha_1 + \beta_1 E_t + \beta_2 (G1 \times E_t) + \beta_3 (G2 \times E_t) + \beta_4 (G3 \times E_t) + \beta_5 (E_t \times DETA_t) + \beta_6 (E_t \times size) + \varepsilon_t \quad (5)$$

$$PC_t = \alpha_1 + \beta_1 EC_t + \beta_2 (G1 \times EC_t) + \beta_3 (G2 \times EC_t) + \beta_4 (G3 \times EC_t) + \beta_5 (EC_t \times DETA_t) + \beta_6 (EC_t \times size) + \varepsilon_t \quad (6)$$

G1: برای گروه ۱ برابر ۱ و برای سایر گروه‌ها صفر است؛

G2: برای گروه ۲ برابر ۱ و برای سایر گروه‌ها صفر است؛

G3: برای گروه ۳ برابر ۱ و برای سایر گروه‌ها صفر است.

منطق استفاده از سه متغیر مجازی در این معادله بر این اساس است که گروه چهارم گروه مبناست. اگر گروه ۱ را در نظر بگیریم، داریم: $E(P_t) = \alpha_1 + (\beta_1 + \beta_2)E(E_t)$ که تفاوت گروه او ۴ در β_2 است. اگر β_2 مثبت و معنی دار باشد یعنی ارزش شرکت‌های گروه ۱ از ارزش شرکت‌های گروه ۴ بیشتر است و بالعکس. اگر گروه ۲ را در نظر بگیریم، داریم: $E(P_t) = \alpha_1 + (\beta_1 + \beta_3)E(E_t)$ که تفاوت گروه ۲ و ۴ در β_3 است. اگر β_3 مثبت و معنی دار باشد؛ یعنی ارزش شرکت‌های گروه ۲ از ارزش شرکت‌های گروه ۴ بیشتر است و بالعکس و اگر گروه ۳ را در نظر بگیریم، داریم: $E(P_t) = \alpha_1 + (\beta_1 + \beta_4)E(E_t)$ که تفاوت

۱۳۷۹ تا ۱۳۸۶: ۱) شرکتی که محتوای نقدی سود آن از میانگین محتوای نقدی سود شرکت‌های نمونه بیشتر باشد؛ ۲) وجه نقد عملیاتی هر سهم مثبت باشد و ۳) سود هر سهم مثبت باشد، به عنوان شرکت با سود با کیفیت در نظر گرفته می‌شود.

برای تجزیه و تحلیل و آزمون فرضیه دوم از دو معادله رگرسیون زیر استفاده می‌شود که در سال ۲۰۰۴ توسط بائو و بائو به کار گرفته شد:

$$P_t = \alpha_1 + \beta_1 E_t + \beta_2 (DQ \times E_t) + \beta_3 (E_t \times DETA_t) + \beta_4 (E_t \times size) + \varepsilon_t \quad (3)$$

DQ: یک متغیر مجازی است و برای شرکت‌های سود با کیفیت برابر ۱ و برای شرکت‌های سود بدون کیفیت برابر صفر است.

(۴) $PC_t = \alpha_1 + \beta_1 EC_t + \beta_2 (DQ \times EC_t) + \beta_3 (EC_t \times DETA_t) + \beta_4 (EC_t \times size) + \varepsilon_t$
تحلیل این معادلات نیز مشابه معادلات رگرسیونی قبلی است؛ یعنی چنانچه β_2 مثبت و معنادار باشد؛ یعنی ضریب P/E برای شرکت‌های سود با کیفیت بزرگتر از آن ضریب برای شرکت‌های با سود بدون کیفیت است؛ یعنی ارزش شرکت‌هایی که کیفیت سود آنها بالاتر است، بیشتر از شرکت‌هایی است که سود آنها بدون کیفیت است و اگر β_2 منفی و معنی دار باشد، به این معناست که ارزش شرکت‌های با سود با کیفیت، از شرکت‌های با سود بدون کیفیت کمتر است [۱۱].

تفکیک شرکت‌ها به چهار گروه

شرکت‌های نمونه به چهار گروه شرکت‌های هموارسازی سود با کیفیت (گروه ۱)، غیر هموارسازی

مبنا انتخاب می‌شوند و همین تجزیه و تحلیل انجام می‌شود. [۱۱]

یافته‌های تحقیق

نتایج آمار توصیفی در نگاره‌های ۱، ۲ و ۳ و نتایج آمار تحلیلی در نگاره‌های ۴ تا ۷ نشان داده شده است.

گروه ۳ و ۴ در β_4 است. اگر β_4 مثبت و معنی‌دار باشد؛ یعنی ارزش شرکت‌های گروه ۲ از ارزش شرکت‌های گروه ۴ بیشتر است و بالعکس. بار دیگر گروه ۳ به عنوان گروه مبنا قرار می‌گیرد و در معادلات فوق به جای G_3 ، G_4 قرار می‌گیرد که این متغیر برای گروه ۴ برابر ۱ و برای سایر گروه‌ها صفر است. سپس به ترتیب گروه ۲ و ۱ نیز به عنوان گروه

نگاره شماره ۱: نتایج آمار توصیفی شرکت‌های هموارساز سود و غیر هموارساز

انحراف معیار	حداکثر	حداقل	میانگین	تعداد مشاهدات	متغیر شاخص آماری	
					شرکت‌های هموارساز	شرکت‌های غیر هموارساز
۱۴۷۰/۸	۱۰۴۶۳/۹۱	-۳۲۴۸/۲	۹۷۲/۸۱	۴۹۹	سود هر سهم	شرکت‌های هموارساز
۱۸۱۲/۴۵	۷۰۸۴/۹	-۴۲۷/۷۸	۱۴۲۳/۳۹	۶۳	سود هر سهم	شرکت‌های غیر هموارساز
۱۵۳۷/۰۶	۱۸۰۷۹	۶۲۷	۶۶۹۸/۳۹	۴۹۹	قیمت هر سهم	شرکت‌های هموارساز
۲۰۹۴/۶۳	۱۰۵۰۲	۴۲۰	۳۷۷۴/۹۴	۶۳	قیمت هر سهم	شرکت‌های غیر هموارساز
۰/۲۵	۲/۹۱	۰/۰۰	۰/۷۳۷۵	۴۹۹	نسبت بدهی	شرکت‌های هموارساز
۰/۱۹	۱	۰/۰۹	۰/۶۳	۶۳	نسبت بدهی	شرکت‌های غیر هموارساز
۱/۵	۱۸/۰۶	۹/۲۷	۱۲/۷۸	۴۹۹	اندازه شرکت	شرکت‌های هموارساز
۱/۷۹	۱۵/۱۴	۸/۲	۱۲/۰۴	۶۳	اندازه شرکت	شرکت‌های غیر هموارساز

نگاره شماره ۲: نتایج آمار توصیفی شرکت‌های با سود با کیفیت و شرکت‌های با سود بدون کیفیت

انحراف معیار	حداکثر	حداقل	میانگین	تعداد مشاهدات	متغیر شاخص آماری	
					شرکت‌های با سود با کیفیت	شرکت‌های با سود بدون کیفیت
۷۱۰/۸۶	۵۳۰۶/۹۴	۰/۶۷	۵۱۸/۵۶	۸۳	سود هر سهم	شرکت‌های با سود با کیفیت
۱۶۰۱/۷۵	۱۰۴۶۳/۹۱	-۳۲۴۸/۲۰	۱۱۱۰/۷۸	۴۷۹	سود هر سهم	شرکت‌های با سود بدون کیفیت
۳۰۷۳/۴۸	۱۷۶۵۲	۱۰۰۰	۵۶۱۵/۲۵	۸۳	قیمت هر سهم	شرکت‌های با سود با کیفیت
۲۷۸۶/۶۳	۱۰۵۰۲	۴۲۰	۲۹۰۰/۲۷	۴۷۹	قیمت هر سهم	شرکت‌های با سود بدون کیفیت
۰/۱۷۴۱۴	۰/۸۷	۰/۰۹	۰/۷۳۵۶۰	۸۳	نسبت بدهی	شرکت‌های با سود با کیفیت
۰/۲۵۶۷۸	۲/۹۱	۰	۰/۷۲۳۶۰	۴۷۹	نسبت بدهی	شرکت‌های با سود بدون کیفیت
۲/۲۰	۳۷/۶	۰/۰۰۳۸	۱۲/۹۶	۸۳	اندازه شرکت	شرکت‌های با سود با کیفیت
۱/۵۶	۱۸/۰۶	۸/۲۶	۱۲/۹	۴۷۹	اندازه شرکت	شرکت‌های با سود بدون کیفیت

نگاره شماره ۳: نتایج آمار توصیفی چهار گروه شرکت‌ها

انحراف معیار	حداکثر	حداقل	میانگین	تعداد مشاهدات	متغیر شاخص آماری	
					گروه ۱	گروه ۲
۷۵۴/۰۲	۵۳۰۶/۹۴	۱۰/۹۹	۵۶۶/۵۸	۷۱	گروه ۱	سود هر سهم
۲۱۴/۴۳	۶۱۱/۷۴	۰/۶۶۷	۲۳۴/۴۸	۱۲	گروه ۲	
۱۵۴۸/۴۶۷	۱۰۴۶۳/۹۱	-۳۲۴۸/۲	۱۰۴۰/۱۹۹	۴۲۸	گروه ۳	
۱۹۰۸/۹۸	۷۰۸۴/۹	-۴۲۷/۷۷۸	۱۷۰۳/۱۳۱	۵۱	گروه ۴	
۲۵۴۶	۱۷۶۵۲	۱۰۰۰	۷۹۰۹	۷۱	گروه ۱	قیمت هر سهم
۱۹۹۲	۱۵۳۴۱	۹۰۵	۶۸۸۰/۴	۱۲	گروه ۲	
۳۱۲۴/۶۷	۱۸۰۷۹	۶۲۷	۴۱۶۱/۱۵۴	۴۲۸	گروه ۳	
۲۲۱۸/۱۶	۱۰۵۰۲	۴۲۰	۱۴۱۰/۰۶	۵۱	گروه ۴	
۰/۱۴۱۲	۰/۸۹۶	۰/۴۶۵۶	۰/۷۶۲۵	۷۱	گروه ۱	نسبت بدهی به کل دارایی‌ها
۰/۲۵۸۶	۰/۸۸۹	۰/۰۸۷۹	۰/۵۷۶۲	۱۲	گروه ۲	
۰/۲۶۳۷	۲/۹۱۰۷	۰/۰۶۲	۰/۷۳۳۳	۴۲۸	گروه ۳	
۰/۱۷	۰/۹۹۸	۰/۱۲۸۳	۰/۶۴۱۷	۵۱	گروه ۴	
۱/۸۹۰۳	۱۷/۹۷۸۶	۹/۹۰۲	۱۲/۹۳۸	۷۱	گروه ۱	اندازه شرکت
۲/۲۱۶۲	۱۵/۱۳۶	۸/۱۹۵	۱۱/۲۰۵۵	۱۲	گروه ۲	
۱/۴۲۶	۱۸/۰۶۴	۹/۲۷۱	۱۲/۷۵۱	۴۲۸	گروه ۳	
۱/۶۴۴	۱۴/۹۸۳	۸/۲۵۶	۱۲/۲۳۶	۵۱	گروه ۴	

مربوط به آزمون‌های دوربین واتسون و لون هر مدل در جداول مربوطه گزارش شده است.

نگاره شماره ۴ نتایج رگرسیون چندگانه خطی برای دو گروه شرکت‌های هموارساز و غیر هموارساز را نشان می‌دهد.

همان‌طور که در نگاره ۴ مشخص است، سود (تغییرات سود) رابطه مثبت و معنی داری با قیمت سهام (تغییرات قیمت سهام) دارد؛ یعنی هر چه سود بیشتر باشد، بازار ارزش بیشتری برای سهام آن شرکت قایل هست. ضریب رگرسیون برای متغیر شاخص هموارسازی (DS×E) مثبت و معنی دار است و بدین معناست که شرکت‌های هموارساز

استفاده از رگرسیون خطی در صورتی میسر است که مفروضات آن رعایت شود که این مفروضات بررسی شده و بر اساس آزمون‌های صورت گرفته شرایط برای استفاده از رگرسیون خطی امکان پذیر است. از جمله استقلال خطاها (تفاوت بین مقادیر واقعی و مقادیر پیش بینی شده توسط معادله رگرسیون) با استفاده از آزمون دوربین واتسون و همچنین همسانی واریانس خطاها با استفاده از آزمون لون (levene) مد نظر قرار گرفت. در صورتی که سطح معناداری از ۰/۰۵ بیشتر باشد، فرض صفر مبنی بر تساوی واریانس خطاها پذیرفته می‌شود. نتایج

تغییرات آن رابطه منفی و معنی دار دارد و نهایتاً نتایج نشان دهنده این است که اندازه شرکت با ارزش شرکت رابطه منفی و معنی دار و با تغییرات ارزش رابطه مثبت و معنی داری دارد. به طور کلی، نتایج در هر دو سطح سود، و تغییرات سود، حاکی از این است که بدون در نظر گرفتن کیفیت سود، شرکت‌های هموارساز ارزش بالاتری نسبت به شرکت‌های غیر هموارساز دارند.

سود دارای ضریب P/E بالاتری نسبت به شرکت‌های غیر هموارساز هستند. به عبارت دیگر، شرکت‌های هموارساز ارزش بیشتری نسبت به شرکت‌های غیر هموارساز دارند. ضریب رگرسیون برای متغیر $DS \times EC$ نیز مثبت و معنی دار است؛ یعنی تغییرات قیمت (ارزش) شرکت‌های هموارساز نسبت به تغییرات قیمت (ارزش) شرکت‌های غیر هموارساز بیشتر بوده است. همچنین نتایج نشان می‌دهد که نسبت بدهی به کل دارایی‌ها با ارزش شرکت و

نگاره شماره ۴: نتایج تجزیه و تحلیل رگرسیون چندگانه خطی برای دو گروه شرکت‌های هموارساز و غیر هموارساز

تغییرات سود			سود			متغیر
معناداری	آماره t	ضریب متغیر	معناداری	آماره t	ضریب متغیر	
۰/۵۱۴	۰/۶۵۲	۰/۰۱۱	۰/۰۰۰	۳۷/۵۵۹	۰/۸۰۵	مقدار ثابت
			۰/۰۰۰	۷/۵۲۲	۴/۳۲۵	E
۰/۰۲۱	۲/۳۲۳	۱/۰۸۹				EC
			۰/۰۳۲	۲/۱۴۴	۰/۴۵۸	$DS \times E$
۰/۰۳۷	۲/۰۸۷	۰/۳۹۹				$DS \times EC$
			۰/۰۰۰	-۸/۶۰۴	-۰/۶۲۴	$E \times DETA$
۰/۰۰۰	-۸/۴۱۸	-۲/۰۲۵				$EC \times DETA$
			۰/۰۰۰	-۵/۵۴۶	-۰/۲۶	$E \times SIZE$
۰/۰۰۰	۱۳/۲۹۴	۰/۳۰۷				$EC \times SIZE$
$R^2 = ۰/۴۵۵$ $F = ۱۲۱/۴۲۹$ $D.W = ۲/۴۲۹$			$R^2 = ۰/۳۰۱$ $F = ۵۹/۴۱۱$ $D.W = ۱/۸۳۸$			
$F = ۱/۴۵۲$ $Sig = ۰/۳۱۵$			$F = ۱/۲۳۲$ $Sig = ۰/۲۹۲$			آزمون لون

همان‌طور که در نگاره شماره ۵ مشخص است، سود (تغییرات سود) رابطه مثبت و معنی داری با قیمت سهام (تغییرات قیمت) دارد. ضریب رگرسیون برای متغیر شاخص $(DQ \times EC)$ مثبت و معنی دار

نتایج تجزیه و تحلیل رگرسیون چندگانه خطی برای دو گروه شرکت‌های با سود با کیفیت و سود بدون کیفیت در نگاره شماره ۵ نشان داده شده است.

شرکت‌های با سود باکیفیت دارای ضریب PC/ EC (تغییرات قیمت ارزش به تغییرات سود) بالاتری نسبت به شرکت‌های با سود بدون کیفیت هستند.

است. بنابراین، شرکت‌های با سود با کیفیت ضریب P/E بالاتری نسبت به شرکت‌های با سود بدون کیفیت دارند. همچنین، ضریب متغیر شاخص (DQ×EC) مثبت و معنی دار است. بنابراین،

نگاره شماره ۵: نتایج تجزیه و تحلیل رگرسیون چندگانه خطی برای دو گروه شرکت‌های با سود با کیفیت و شرکت‌های با سود بدون کیفیت

تغییرات سود			سود			متغیر
معناداری	آماره t	ضریب متغیر	معناداری	آماره t	ضریب متغیر	
۰/۴۷۱	۰/۷۲۱	۰/۰۲۰	۰/۰۰۰	۶۹/۵۳۴	۰/۷۵۲	مقدار ثابت
			۰/۰۰۰	۷/۰۷۰	۲/۱۲۳	E
۰/۰۰۵	۲/۸۴۴	۱/۳۸۹				EC
			۰/۰۰۴	۲/۹۱۶	۰/۳۷۹	DQ×E
۰/۰۲۸	۲/۲۰۹	۰/۵۶۷				DQ×EC
			۰/۰۰۰	-۱۲/۷۸۶	-۰/۳۹۷	E×DETA
۰/۰۰۰	-۱۶/۸۴۴	-۱/۵۳۷				EC×DETA
			۰/۰۰۰	-۴/۵۷۹	-۰/۱۰۵	E×SIZE
۰/۰۰۰	۷/۵۱۸	۰/۲۴				EC×SIZE
R ² = ۰/۴۵۴ F = ۱۲۰/۹۲۲ D.W = ۲/۴۲۸			R ² = ۰/۴۵۷ F = ۶۴/۴۷۸ D.W = ۱/۹۹۴			
F = ۲/۱۲۵ Sig = ۰/۱۹			F = ۱/۸۵۴ Sig = ۰/۲۵			آزمون لون

است. نتایج تجزیه و تحلیل رگرسیون چند متغیره در سطح سود و تغییرات سود برای چهار گروه به ترتیب در نگاره‌های شماره ۶ و ۷ آورده شده است.

به طور کلی، نتایج در هر دو سطح سود و تغییرات سود، حاکی از این است که بدون در نظر گرفتن هموارسازی سود ارزش شرکت‌های با سود با کیفیت، بالاتر از شرکت‌های با سود بدون کیفیت

نگاره شماره ۶: نتایج تجزیه و تحلیل رگرسیون چندگانه خطی برای چهار گروه در سطح سود

گروه پایه		G4			G3			G2			G1		
متغیر	ضریب	آماره	معناداری	ضریب	آماره	معناداری	ضریب	آماره	معناداری	ضریب	آماره	معناداری	
مقدار ثابت	۰/۷۷۳	۴۶/۷۹۹	۰/۰۰۰	۰/۷۷۳	۴۶/۷۹۹	۰/۰۰۰	۰/۷۷۳	۴۶/۷۹۹	۰/۰۰۰	۰/۷۷۳	۴۶/۷۹۹	۰/۰۰۰	
E	۲/۵۰۷	۴/۳۱۲	۰/۰۰۰	۲/۶۲۱	۵/۴۳۹	۰/۰۰۰	۳/۷۴۵	۵/۹۰۵	۰/۰۰۰	۳/۰۲۸	۵/۵۳۱	۰/۰۰۰	
G1×E	۰/۸۴۸	۲/۹۹۸	۰/۰۰۳	۰/۴۰۷	۱/۷۳۵	۰/۰۸۳	۲/۸۵۰	۱/۹۸۳	۰/۰۶۱	-۲/۸۵۰	-۱/۹۸۳	۰/۰۶۱	
G2×E	۱/۶۳۵	۱/۴۵۷	۰/۱۰۹	۱/۲۳۱	۱/۰۷۴	۰/۱۸۲	-۱/۲۳۱	-۱/۰۷۴	۰/۱۸۲	-۲/۸۵۰	-۱/۹۸۳	۰/۰۸۳	
G3×E	۰/۴۴۱	۲/۵۳۷	۰/۰۱۱	-۰/۴۴۱	-۲/۵۳۷	۰/۰۱۱	-۱/۶۳۵	-۱/۴۵۷	۰/۱۰۹	-۰/۴۰۷	-۱/۷۳۵	۰/۰۰۳	
G4×E										-۰/۸۴۸	-۲/۹۹۸	۰/۰۰۳	
E×delta	-۰/۴۶۷	-۸/۵۲۹	۰/۰۰۰	-۰/۴۶۷	-۸/۵۲۹	۰/۰۰۰	-۰/۴۶۷	-۸/۵۲۹	۰/۰۰۰	-۰/۴۶۷	-۸/۵۲۹	۰/۰۰۰	
E×size	-۰/۱۲۹	-۳/۳۹۰	۰/۰۰۱	-۰/۱۲۹	-۳/۳۹۰	۰/۰۰۱	-۰/۱۲۹	-۳/۳۹۰	۰/۰۰۱	-۰/۱۲۹	-۳/۳۹۰	۰/۰۰۱	
$R^2 = ۰/۱۹۷$ $D.W = ۲/۰۱۴$													
آزمون لون $F = ۲/۰۷۸$ $Sig = ۰/۲۲$													

پایه گروه ۲ است) حاکی از این است که سود با قیمت سهام رابطه مثبت و معنی دار دارد و ضریب گروه ۱ بزرگتر از گروه ۲ و ضرایب گروه ۳ و ۴ از گروه ۲ کوچکتر است، اما ضرایب ۳ و ۴ معنی دار نیست. معادله رگرسیون چهارم گروه ۱ را به عنوان گروه پایه استفاده کرد. همان‌طور که در نگاره ۳ نشان داده شده است، ضرایب P/E گروه‌های ۲، ۳ و ۴ نسبت به ضریب P/E گروه ۱ منفی و معنی دار است. به عبارت دیگر، این ضرایب کوچکتر از ضریب گروه ۱ است.

نتایج تجزیه و تحلیل در سطح تغییرات سود در نگاره شماره ۷ نشان داده شده است. تجزیه و تحلیل نگاره ۷ نیز مشابه تجزیه و تحلیل نگاره ۶ است.

طبق نگاره ۶، نتایج اولین معادله رگرسیون که گروه ۴ به عنوان گروه پایه انتخاب شد، نشان می‌دهد سود با قیمت سهام رابطه مثبت و معنی دار دارد. تمام گروه‌ها ضریب P/E بزرگتر از گروه ۴ دارند و ضرایب گروه ۱ و ۳ مثبت و معنی دار است. در دومین رگرسیون گروه ۳ به عنوان گروه پایه استفاده شد. نتایج بیان می‌کند سود با قیمت سهام رابطه مثبت و معنی دار دارد و ضرایب P/E گروه‌های ۱ و ۲ بزرگتر از گروه ۳ و ضریب P/E گروه ۴ کوچکتر از گروه ۳ است و این ضرایب برای گروه ۱ مثبت و معنی دار و برای گروه ۴ منفی و معنی دار است و ضریب P/E گروه ۲ تفاوت معنی داری با ضریب P/E گروه ۳ ندارد. سومین معادله رگرسیون (گروه

نگاره شماره ۷: نتایج تجزیه و تحلیل رگرسیون چندگانه خطی برای چهار گروه در سطح تغییرات سود

G1			G2			G3			G4			گروه پایه
معناداری	آماره t	ضریب متغیر	معناداری	آماره t	ضریب متغیر	معناداری	آماره t	ضریب متغیر	معناداری	آماره t	ضریب متغیر	متغیر
۰/۳۶۲	۰/۹۱۲	۰/۰۲۳	۰/۳۶۲	۰/۹۱۲	۰/۰۲۳	۰/۳۶۲	۰/۹۱۲	۰/۰۲۳	۰/۳۶۲	۰/۹۱۲	۰/۰۲۳	مقدار ثابت
۰/۰۰۰	۶/۱۴۵	۵/۷۴۷	۰/۰۰۰	۴/۶۷۳	۷/۹۳۹	۰/۰۰۰	۴/۷۱۹	۴/۶۶۵	۰/۰۰۰	۴/۳۵۹	۴/۷۶۵	EC
			۰/۰۶۸	۱/۶۷۵	۲/۶۲۱	۰/۰۱۳	۲/۵۰۶	۰/۶۳۱	۰/۰۳۵	۰/۹۲۶	۰/۵۳۱	G1×EC
۰/۰۶۸	-۱/۶۷۵	-۲/۶۲۱				۰/۰۵۷	۱/۹۱۱	۲/۹۷۸	۰/۰۴۳	۲/۰۳۱	۳/۱۷۳	G2×EC
۰/۰۱۳	-۲/۵۰۶	-۰/۶۳۱	۰/۰۵۷	-۱/۹۱۱	-۲/۹۷۸				۰/۰۴	۲/۰۵۶	۰/۷۸۹	G3×EC
۰/۰۳۵	-۰/۹۲۶	-۰/۵۳۱	۰/۰۴۳	-۲/۰۳۱	-۳/۱۷۳	۰/۰۴	-۲/۰۵۶	-۰/۷۸۹				G4×EC
۰/۰۰۰	-۱۱/۶۴۱	-۱/۴۸۹	۰/۰۰۰	-۱۱/۶۴۱	-۱/۴۸۹	۰/۰۰۰	-۱۱/۶۴۱	-۱/۴۸۹	۰/۰۰۰	-۱۱/۶۴۱	-۱/۴۸۹	E×deta
۰/۰۲۰	۲/۳۴۰	۰/۱۲۴	۰/۰۲۰	۲/۳۴۰	۰/۱۲۴	۰/۰۲۰	۲/۳۴۰	۰/۱۲۴	۰/۰۲۰	۲/۳۴۰	۰/۱۲۴	E×size
											R ² = ۰/۴۴۴ D.W = ۲/۳۵۴	
											F = ۲/۱۰۵ Sig = ۰/۲۴	

نتیجه گیری:

با توجه به نقش سود گزارش شده در تصمیم‌گیری استفاده کنندگان صورت‌های مالی، کیفیت و مدیریت آن توجه ویژه‌ای را از سوی سرمایه‌گذاران، همچنین استانداردگذاران و کارگزاران بورس اوراق بهادار می‌طلبد. کیفیت بالای سود باعث می‌شود ارزش واقعی واحد تجاری به اطلاع سرمایه‌گذاران برسد و بازار سرمایه گسترش یابد. همچنین هدف چارچوب نظری حسابداری مبنی بر ارائه اطلاعات مفید جهت تصمیم‌گیری استفاده کنندگان صورت‌های مالی برآورده می‌شود.

نتایج حاصل از تفکیک شرکت‌ها به دو گروه هموارساز و غیر هموارساز نشان می‌دهد که بدون در نظر گرفتن کیفیت سود، شرکت‌های هموارساز سود، ارزش بالاتری نسبت به شرکت‌های غیر هموارساز سود دارند که با نتایج تحقیق سمایی (۱۳۸۲)، چنی و جیتر (۱۹۹۷)، توماس و ژانگ (۲۰۰۲)، دکو و اسکرند (۲۰۰۴)، بائو و بائو (۲۰۰۴)، چان و دیگران (۲۰۰۶) و هانگ و دیگران (۲۰۰۹) همخوانی دارد. تفکیک شرکت‌ها به دو گروه شرکت‌های با سود با کیفیت و شرکت‌های با سود بدون کیفیت نشان داد که بدون در نظر گرفتن هموارسازی سود، شرکت‌هایی که دارای سود گزارش شده با کیفیت هستند، ارزش بالاتری نسبت به شرکت‌هایی دارند که سود بدون کیفیت گزارش می‌کنند. این مطلب با نتایج تحقیق بائو و بائو (۲۰۰۴)، دهالیوال و ژنلی (۲۰۰۸) و آیت‌ریدینز (۲۰۱۰) همخوانی دارد. نهایتاً شرکت‌ها به چهار گروه تفکیک شدند و نتایج آزمون نشان می‌دهد که شرکت‌های هموارساز سود با کیفیت، بیشترین ارزش و شرکت‌های غیر هموارساز سود بدون کیفیت، کمترین ارزش را در

بورس اوراق بهادار تهران دارند. به طور کلی، نتایج این تحقیق با تحقیق بائو و بائو (۲۰۰۴) همخوانی دارد.

پیشنهاد‌های کاربردی:

۱. با توجه به نتایج تحقیق و با توجه به تاثیر هموارسازی سود و کیفیت سود بر ارزش شرکت به مسؤولان سازمان بورس اوراق بهادار و دانشگاهیان توصیه می‌شود زمینه‌های آشنایی بیشتر سرمایه‌گذاران و سایر استفاده کنندگان با این دو پدیده را فراهم کنند و به سرمایه‌گذاران و تحلیلگران و سایر ذی‌نفعان پیشنهاد می‌شود در تحلیل‌ها و مدل‌های تصمیم‌گیری خود هموارسازی و کیفیت سود را نیز لحاظ کنند.

۲. با توجه به تاثیر تحلیل‌گران و واسطه‌های مالی در افزایش شفافیت قیمت سهام و اطلاعات مالی، تدابیری اندیشیده شود تا زمینه ورود بیشتر آنها در معاملات سهام فراهم شود.

پیشنهادها برای تحقیقات آتی

به علاقه‌مندان در این زمینه موضوع‌های زیر برای تحقیق و بررسی پیشنهاد می‌شود:

۱. بررسی عوامل مؤثر بر کیفیت سود مانند حاکمیت شرکتی؛
۲. بررسی عوامل مؤثر بر هموارسازی سود مانند امنیت شغلی، ریسک، سودآوری شرکت و ...؛
۳. بررسی سایر معیارهای تفکیک شرکت‌ها از لحاظ هموارسازی و کیفیت سود؛
۴. بررسی تاثیر ریسک شرکت‌ها بر هموارسازی سود؛
۵. بررسی تاثیر نوع صنعت بر هموارسازی سود؛
۶. بررسی تاثیر نوع صنعت بر کیفیت سود؛

۷. بررسی عوامل مؤثر بر هموارسازی سود در مقاطع زمانی رونق و رکود.
۷. مهرانی، کاوه و عارف منش، زهره. (۱۳۸۷). بررسی هموارسازی سود در بورس اوراق بهادار تهران، **بررسی‌های حسابداری و حسابرسی**، ش ۵۱
۸. نوروش، ایرج و حسینی، سیدعلی. (۱۳۸۸). بررسی رابطه بین کیفیت افشا (قابلیت اتکا و به موقع بودن) و مدیریت سود، **بررسی‌های حسابداری و حسابرسی**، ش ۵۵.
۹. هاشمی، سید عباس و صمدی، ولی الله. (۱۳۸۸). آثار هموارسازی سود بر محتوای اطلاعاتی آن در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، **تحقیقات حسابداری**، ش ۱
10. Ball, R., Shivakumar, L. (2005). The role of accruals in asymmetrically timely gain and loss recognition. Retrieved March 14, 2006, from <http://www.ebsco.com>
11. Bao Ben-Hsine and Da-Hsien Bao, (2004). Income smoothing, earnings quality and firm valuation. *Journal of business Finance & Accounting*, 31(9)&(10)
12. Beaver, W.H. (2002). P/E ratios and Earnings on recent capital market research. *The Accounting Review* (April)
13. Bellovary, J., Giacominio, D., Akers, M. (2006). A review of bankruptcy prediction studies: 1930 to present. Retrieved March 14, 2006, from <http://www.ebsco.com>
14. Chan, K, Chan, L, Jegadeesh, N. and J. Lakonishok (2006). earnings quality and stock returns. *Journal of business*, forthcoming.
15. Chaney Paul K and Debra C. Jeter, (1997). Income smoothing and firm characteristics. *Accounting Enquiries*; 7(1)
16. Dechow, P. and Schrand, C. (2004). Earnings Quality. Charlottesville, VA, CFA Institute. Francis J, Lafond R, Olsson P, SchipP/Er K. (2002). The Market Pricing of Earnings Quality. from <http://www.ssrn.com>
17. Dhaliwal Dan, Zhenli Olive. (2008). Earning quality and the market response to dividend surprise. from www.ssrn.com
۱. برقعی، زهرا. (۱۳۸۵). بررسی رابطه خطای برآورد اقلام تعهدی با کیفیت اقلام تعهدی و ثبات سود، **پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران**
۲. ثقفی، علی و کردستانی غلامرضا (۱۳۸۳). «بررسی و تبیین رابطه بین کیفیت سود و واکنش بازار به تغییرات سود نقدی»، **بررسی‌های حسابداری و حسابرسی**، ش ۳۷.
۳. خواجهی، شکرالله و ناظمی، امین (۱۳۸۴). بررسی رابطه بین کیفیت سود و بازده سهام با تاکید بر نقش ارقام تعهدی در بورس اوراق بهادار تهران، **بررسی‌های حسابداری و حسابرسی** ش ۴۰
۴. سمائی، حسین. (۱۳۸۲). رابطه بین هموارسازی سود و بازده تعدیل شده بر اساس ریسک، **پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حسابداری و مدیریت دانشگاه علامه طباطبائی**.
۵. قائمی، محمد حسین؛ قیطاسوند، محمود و توجکی محمود، (۱۳۸۲). تاثیر هموارسازی سود بر بازده سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، **بررسی‌های حسابداری و حسابرسی**، ش ۳۳
۶. مرادی، مهدی. (۱۳۸۷). بررسی رابطه بین اهرم مالی و هموارسازی سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، **تحقیقات مالی**، ش ۲۴

29. Yoon Soon Suk and Gary A. Miller. (2002). Cash from oP/Erations and earnings managemet in Korea. *The International journal of accounting*, 37
18. Eckel Norm, (1981). The income smoothing Hypothesis revisited. *ABACUS*, 14(1)
19. Healy M.Paul and James M.Wahlen,(1999). A review of the earnings management literature and its implications for standard setting. *Accounting Horizons*,13(4)
20. Huang Pinghsun, Zhang Yan , Deis R.Donald, Moffitt S. Jacquelyn. (2009). Do artificial income smoothing and real income smoothing contribute to firm value equivalently? *Journal of Banking & Finance*, 33
21. Iatridis George. (2010). International Financial Reporting Standards and the quality of financial statement information. *International Review of Financial Analysis*, 19 (2)
22. Kirschenheiter Michael and Melumad Nahum ,(2004). Earnings' quality and smoothing. From www.ssrn.com
23. Ronen Joshau and Simcha Sadan. (1981). Smoothing income numbers: Objectives , Means and Implications. *Addision-Wesley PaP/Erback Series in Accounting*
24. Rountree, B., J. Weston, G. Allayannis. (2008) “Do investors value smooth P/Erformance?” *Journal of Financial Economics* 90(3)
25. SchipP/Er, K. and Vincent, L. (2003). Earnings quality. *Accounting Horizons*,17
26. Sloan Richard G.(1996). Do Stock Prices Fully Reflect Information in Cash Flows and Accruals About Future Earnings?. *The Accounting Review*, 71 (3)
27. Thomas K Jacob and Huai Zhang. (2002). Value-relevant proP/Erties of amoothed earnings. from www.ssrn.com
28. Wan Nordin Wan-Hussin and Noraizan Ripain, (2003). IPO profil Gurantees and income smoothing. from <http://www.ssrn.com>